



درسهای منتشر نشده از شهید
حجة الاسلام والمسلمین دکتر باهنر

روانشناسی و جامعه‌شناسی

ارتش

نیاز به نیروی نظامی :

اصل "نیروی نظامی و دفاعی" ، از نیازهای اولیه زندگی بشر است و به همین جهت از نخستین روزها ، وسائل و ابزار جنگی و دفاعی ، مورد توجه انسان بوده است ، در حفاریهای که با اسکلت‌های انسان‌های چند صد هزار سال پیش برخورد کرده‌اند ، ابزار اولیه جنگی را نیز در کنار آنها یافته‌اند . بشر ابتدا از سنگ ، و سپس از فلزات وسائل نظامی و دفاعی می‌ساخته است .

پس معلوم است که انسان نمی‌توانسته بدون نیروی انتظامی و قوای جنگی زندگی کند و شاید به همین جهت بوده که در زندگی قبیله‌ای و در میان عرب جاهلی ،

به داشتن پسر اهمیت بیشتر می‌دادند و تعداد پسران را تعداد سربازان یک قوم می‌دانستند . حکومتها هم با قدرت و نیروی سربازان به وجود می‌آمدند . در ایران خودمان اگر به تاریخ بنگرید می‌بینید گاهی یک ایل و قبیله حرکت میکرد و حکومت را در دست می‌گرفت ، امروز هم تفاوت زیادی نکرده ، ابرقدرتها حکومتهائی هستند که بیشترین بودجه کشورشان صرف نیروهای نظامی و جنگی می‌شود ، آمریکا و شوروی از همه وزارتخانه‌ها بیشتر به وزارت جنگ و وسائل جنگی توجه دارند .

در رژیم گذشته هم - برای حفظ منافع آمریکا - همیشه سنگین‌ترین بودجه مربوط به ارتش بود ولی پس از انقلاب (تا قبل از

جنگ تحمیلی) برای اولین بار در ایران ، آموزش و پرورش ، در صدر قرار گرفته بودجه سنگین ، مربوط به تربیت جامعه گشت .

در حال امروز هم مانند دورانهای باستان انسان احتیاج دارد تا چنگال و دندان تیز کند ! چون تا هنگامی که افکار انسان ، مادی باشد ، و روح ماتریالیسم و تکاثر و تهاجم و قدرت طلبی و سلطه‌گری بر انسان حاکم باشد ، ماده‌گرایی و حیوانیت حاکم خواهد بود و حیوان هم معمولاً با زور و چنگال و دندان ، طعمه و غذا به دست می‌آورد و هر حیوانی درنده تر و پر زورتر باشد ، غذا و طعمه بیشتر و بهتری میتواند به دست بیاورد .

بسیار از آنکه در این کتاب آمده است...
 و در این کتاب آمده است...
 و در این کتاب آمده است...

نیروی نظامی در اسلام

شکی نیست که امروز مسلمانان در دنیای زندگی می‌کنند که با انسان های مادی و با کسانی که زندگی حیوانی را عملاً رواج می‌دهند، روبرو هستند مقابل بودن با چنین جامعه‌ای ایجاب میکند که مسلمانان نیز برای دفاع مجهز باشند و روی همین اصل، قرآن مجید می‌فرماید:

" واعدوا لهم ما استطعتم من قوه "
 " و من رباط الخيل ترهيون بهه "
 " عدوا لله و عدوكم "

بنا بر این نیروهای نظامی و سلاح، برای درهم کوبیدن عدو الله و عدوکم است و تا هنگامی که عدو الله و عدوکم وجود داشته باشد، ناچار نظام مکتبی هم باید خود را تجهیز کند و مسلح شود.

در روایات مربوط به قیام حضرت مهدی - ارواحنا فداء و عجل الله تعالی فرجه - نیز می‌بینیم آغاز قیام " بالسیف " (شمشیر) است (که سیف و شمشیرظهر سلاح میباشد) ولی پس از آنکه حکومت عدل آنحضرت مستقر شد، هیچگونه نشانه‌ای از چگونگی و کم و کیف سلاح، در روایات و - احادیث به چشم نمی‌خورد.

ارتش ایران

ارتش ایران، در گذشته دارای چند خصوصیت بود:

- ۱- تخذیر فرهنگی و تحمیل عقیده:
- در گذشته، فرهنگ اصیل اسلامی و مردمی ارتش را از دستش گرفته بودند و به او یک عقیده بوج، تحمیل کرده بودند وجود نظام شاهنشاهی را برای ارتش یک

عقیده و اصل خلل ناپذیر معرفی کرده بودند، در هیچ اداره و ارگانی به اندازه ارتش تبلیغات تخذیری نمی‌شد، یک ارتشی اجازه نداشت آزادانه مطالعه کند، معاشرت کند، حتی ازدواج کند، قرآن مترجم در محیط ارتش ممنوع بود، نهج البلاغه ممنوع بود و بالاخره ارتش را طوری بار می‌آوردند که برای خود شخصیت مستقلی احساس نکند بطوری که خدا، شاه، میهن، شعار معمولی آنان شده بود، نازه وازه خدا یک وازه تشریفاتی بود، و منظور از آن خدائی بود که در جامعه عنوان نداشته باشد و تنها به عنوان نام آنرا ببرند، میهن هم خلاصه می‌شد در وجود شاه، همه چیز شاه بود، اگر هم در برنامه‌ها و کتاب - های کلاسیک، نامی از اسلام و دین برده می‌شد بعد از اعتقاد به شاهنشاهی مطرح می‌گشت، آن هم نه مکتب اسلام بلکه چیزهایی از اسلام که با افکار آنان منافات نداشته باشد.

گاهی در طرح ریزیهای درسی بحث بود که آیا اول اسلام و بعد ایران یا بالعکس؟ آنان می‌گفتند: اول از " نظام شاهنشاهی و ایران "، و سپس از اسلام صحبت شود، یکی از مشکلات ارتش همین تلقین بود که می‌گفتند " ایران و شاهنشاهی "، ولی ما می‌گوئیم در مرحله اول، اصالت مربوط به آئین اسلام است و بعد ایران...

۲- وابستگی: دومین خصوصیت ارتش وابستگی به خارج مخصوصا به آمریکا بود. چه از جهت تکنیک و چه از جهت تاکتیک از جهت فنی و تکنیک، از هواپیماها و موشکها گرفته تا تانکها و فشنکها از آمریکا بود، در نتیجه لازم بود از جهت ابزار بدکی، تعلیمات و مستتاری وابسته به آمریکا باشد، افسر ما در آنجا تعلیم ببیند و مستتار از آنجا به ایران بیاید، و همچنین از جهت رزمی و تاکتیک و روش نیز وابسته بود. یک چنین وابستگی برای ما حالا هم ایجاد زحمت

کرده است.

البته این حقیقت قابل انکار نیست که سعی می‌شد، ارتش قوی و دارای تجهیزات کافی و مدرن باشد و کار هم زیاد می‌کردند و کار اساسی فقط روی ارتش و ساواک میشد چرا که حیات و موجودیت رژیم با آن در تماس بود و بقیه را اهمیت نمی‌دادند: فرهنگ بی محتوا بود، معلم خوب تربیت نمی‌شد، متخصص تربیت نمی‌شد و همه ارکان کشور متزلزل بود، اما - هیچ کدام از اینها برای آمریکا و شاه مسئله‌ای نبود ولی ارتش می‌بایست قوی باشد تا بتواند زاندارم منطقه گردد.

در تمام مسائل کشور به صورت شوخی کار می‌شد ولی روی ساواک و ارتش بسیار جدی بودند تا آنجا که در تمام منطقه، این ایران بود که مورد اعتماد آمریکا بود. واز همین رو مرکز فرماندهی خاورمیانه سازمان بخوف " سیا " در ایران قرار داشت و ایران منطقه ثباتی برای برقررتها شده بود

۳- فساد اخلاقی:

اصولا استعمارگران هرگاه گروه یا ملتیی را بخواهند برده خویش سازند فساد را در میانشان رواج می‌دهند و به مسائل جنسی و اعتیاد می‌کشانند. درست مانند جریان اسپانیا و اندلس که از این راه ارتش مسلمانان را فاسد کردند و سپس شکست دادند.

رژیم فاسد گذشته در همه جا بذر فساد می‌پاشد ولی مخصوصا در ارتش کوشش فراوانی در این جهت داشت، بویژه در سطح بالای ارتش، همه امکانات فساد و عیاشی برایشان فراهم بود و بالاخره از اصل " فاسد کن و اسیر کن " استفاده می‌کردند و با کوبیدن آنان و برده ساختن می‌توانستند به امیال خود برسند و برای اینکه فکر ارتشی نیز از خودش نباشد و به هیچ چیز نیندیشد، علاوه بر فساد و عیاشی از حقوق و امکانات مکتبی هم برخوردار بود، از تمام وسائل و امکانات رفاهی

استفاده می‌کرد و در واقع همان شکم سیری یک برده که موجب رضایت و گرمی او میشد در ارتش تحقیر شده به وجود آمده بود و با فساد و عیاشی و شکم سیر، فقط مطیع بودند و چیز دیگری مطرح نبود.

در برانداختن رژیم، به این دو بازوی حساس شاه حمله شد و ساواک و کادربالای ارتش متلاشی شد به گونه‌ای که همافراد موثر یا اعدام شدند یا فرار کردند. اینکه می‌گوئیم: بازوی حساس، از این جهت است که این دو، چشمگیر و در مقابل ورودی مردم بودند و گرنه نمایندگان مجلسین از ساواک و ارتش خطرناک تر بودند زیرا ما آلان می‌بینیم که چگونه در قانونگذاری‌ها و طرح و تصویبها، مجلس موثر است و این همه بودجه و تصمیم‌گیریها مربوط به نمایندگان بود، همچنانکه آلان مادر شورای انقلاب، در یک جلسه تصمیمی می‌گیریم که با میلیونها مردم ایران سر و کار دارد، و با میلیاردها تومان پول ارتباط پیدا می‌کند. (۱)

و بالاخره مدیریت سابق ارتش از هم پاشید و مردم پادگانها را یکی پس از دیگری گرفتند و بسیاری از ارتشیان از قبل به امر امام به مردم پیوسته بودند و برخی دیگر بعدا پیوستند.

شعارهای گمراه‌کننده،

با چنین وضعی که ارتش پیدا کسرد، شعارهایی مطرح شد، گروههای چپ و افراطی شعارهایی رایج کردند که ظاهرش بسیار جالب و گمراه‌کننده بود، مثلا می‌گفتند: ارتش طاغوتی، شاهشاهی، فاسدو...

باید منحل گردد! توجه دارید که ظاهر این شعار بسیار جالب است، احساس برانگیزو گمراه‌کننده، ولی عملا توطئه‌ای است برای شکست جمهوری اسلامی و این نظام نوپارا خلع سلاح کردن.

در اینجا تذکر این نکته لازم است که معمولا شعارها، برای کسانی که به مراحل عملی امور، وارد نیستند اثر می‌گذارد ولی چنانچه به مرحله عمل توجه شود می‌بینند که مشکلات زیاد است، برای نمونه آقایانی که انقلابی بودند و به شورای انقلاب ابراد می‌گرفتند که چرا انقلابی عمل نمی‌کنند. اکنون که وارد مجلس شده‌اند می‌بینند برای تهیه یک آئین نامه آنقدر بحث و گفتگو هست که اگر بخواهیم با روش آنان رفتار کنیم باید یک سال طول بکشد.

در هر صورت می‌خواستند با این روش ظاهر فریب، آنچنان دولت را ضعیف کنند که اگر کوچکترین حمله‌ای بشود نتوانند دفاع کند. چون بطور کلی نمی‌توانستیم حتی از سلاحهای خود استفاده کنیم چون جوانهای ما تازه با تفنگ آشنا شده بودند. بهر حال ما که می‌بایست از این ارتش، باین شرائط و مشکلات ارتش مدافع و اسلامی بسازیم، مواجه بودیم با فرهنگ شاهنشاهی آن و هنوز بسیاری از اینها نتوانسته بودند جمهوری اسلامی را درک کنند و تفاوت این رژیم با آن رژیم را نفهمیده بودند.

موضوع دیگر، حل مسئله وابستگی است که بسیار مشکل و ظریف است، زیرا مثلا اگر بخواهیم "فانتسوم" نخریم یا کنار بگذاریم و از شوروی "میگ" نخریم، باز

همان وابستگی است، از انگلیس تانک بخریم همان وابستگی است و احتیاج به مستشار خواهد بود و دیدن تعلیم در آنجا تنها راه علاج اینست که صنایع، مخصوصا صنایع نظامی تازه خودکفایی و استقلال یابد.

البته مقصود از خودکفایی این نیست که ما دور خویش خطی بکشیم و از دنیا قطع کنیم، نه بلکه ما روابط ظالم و مظلوم را قطع می‌کنیم ولی روابط تعلیم و تعلم و انسانی را خواهیم داشت و فنون و علوم را نیز کشف خواهیم نمود.

پس نه تنها شعار انحلال ارتش غلط بود، بلکه باید ساخته شود، مکتبی شود، قوی گردد زیرا هرگز از یک ارتش قوی بی‌نیاز نیستیم (۲)

سلاحهای اتمی.

سوالی که در اینجا پیش می‌آید، این است که آیا در موضوع گسترش سلاحهای اتمی چه باید کرد؟ آلان ابر قدرتها شعار فریبنده می‌دهند که باید جلوی سلاحهای اتمی را گرفت، یعنی کشورهایی که سلاح اتمی دارند خوب، داشته باشند ولی مثلا ایران اگر خواست اتمی شود جلوییش را بگیریم! این شعار مذبذبه قابل توجه و دقت است و تا موقعی که با دنیای وحشی و سلاحهای اتمی آنها روبرو هستیم باید در این باره فکری بکنیم که این یکی از بلاهای دامن گیر جهان ماست.

تصفیه

موضوع دیگر، تصفیه در ارتش بود، برای جلوگیری از خیانت و وابستگی و جاسوسی، حدود ۷-۸ هزار نفر از سران ارتش تصفیه شدند، در نتیجه مدیریت، تخصص و فرماندهی هم کاسته شد. چون افسران و درجه‌داران خوب ما چندان مدیریت و فرماندهی نگرده بودند و در این زمینه کم تجربه بودند، و از این نظر با مشکل دیگری روبرو شدیم و از آن طرف

ناهنگامی که عدوانته و عدوکم وجود داشته باشد،

ناچار نظام مکتبی هم باید خود را تجهیز کند و مسلح شود •

تصفیه کامل هم انجام نگرفت، چسبون بسیاری از افسران که مثلا مردم را سرکوب می‌کردند، شناسائی نشده‌اند و به همین علت هم می‌بینید که گاهی خیانت بعضی از آنها کشف می‌شود. اتفاقا در حمله نظامی آمریکا هم چیزهایی کشف شده‌است که تعقیب می‌شود، اکنون باید چه کرد؟ آیا همه را قلع و قمع کنیم؟ و چون ارتشی جایگزین آن کنیم؟ در صورتی که بسیاری از ارتشیان، خوب و با جمهوری اسلامی موافقت و خدمت می‌کنند؟ و دلسوزانه کار می‌کنند، افرادی هم بی‌تفاوت هستند و افرادی هم خائن هستند و خائن‌ها هم شناخته نیستند، بنا براین باید معیارهای تصفیه ارتش چگونه باشد؟ (۳)

شعاری طبقه توحیدی

این شعار نیز رواج یافت و گفتند همانگونه که در اسلام با فریاد *الله اکبر* مردم اجتماع می‌کردند و هر کس سلاح خود را بر می‌داشت و آنگاه رسول اکرم (ص) یک فرمانده تعیین می‌کردند و حتی گاهی جوانترین را، حالا هم باید اینگونه باشد. این شعار نیز ظاهرا جالب است ولی آیا شرایط کنونی را اصلا می‌شود با آن موقع مقایسه کرد؟ و اصولا مراد از بی‌طبقه چیست؟ آیا آنچنان که در چین بود و بعدا بشیمان شدند و اکنون در حدود ۴۰۰ مرتبه در ارتش دارند؟ یا نه بگوئیم تبعیضهای گوناگون باید مرتفع شود؟

آری باید تبعیضها از جهت اقتصادی و غیره برداشته شود ولی مدیریت، فرماندهی، تصمیم‌گیری، باید تحت مقرراتی باشد، ارتش شوخی بردار نیست، قاطعیت، مؤمن بودن، تخصصها، تجربه‌ها، مهارتها، و سابقه‌ها خود مورد توجه است.

سربازی برای طلاب

موضوع دیگر، سربازی طلاب است، قبلا ما زیمبار طاغوت نمی‌رفتیم و به سربازی تن در نمی‌دادیم چون خدمت به طاغوت

بود، و علاوه براین پادگانها محیط‌های غیر اسلامی بودند، ولی الان چگونه، آیا برای حضرات طلاب یک دوره نظامی لازم است یا نه؟

من پیشنهاد می‌دهم که دوره‌لازم تعلیم نظامی را طلاب ببینند و به جای تجدید یک کارت معافی، یک کارت دیدن ایام تعلیمات نظامی را داشته باشند منتهی فقط دوره تعلیم را ببینند و از نظام معاف و برای دفاع و جهاد آماده باشند. (۴)

ارتش مردمی

بسیج و آمادگی عموم مسلمانان و فراگیری فنون جنگی و نظامی، از مباحث ایدئولوژیکی اسلام است و از نظر اسلام اجر و ثواب هم دارد. ارتش منظم و قوی به جای خود که باید باشد، ولی آمادگی تمام مردم نیز طبق عقائد اسلامی لازم است تا در هنگام دفاع و جهاد همگی آماده باشیم.

سپاه پاسداران

این نهاد انقلابی بین ارتش و بسیج است، ما احساس کردیم که به یک نیروی منظم و مکتبی نیازمندیم که افسراد آن را باید از میان افراد شناخته شده و مسلمان و مؤمن به انقلاب و به جمهوری اسلامی انتخاب نمائیم، البته پادگانها باید تحکیم و اصلاح شوند و ساخته گردند برای دفاع از مرزها، ولی این سپاه نیز باید باشد که این چنین از شهادت استقبال می‌کنند، سپاه پاسداران سپاهی است قانونی که

مجلس هم نمی‌تواند آنرا منحل نماید زیرا در قانون اساسی ذکر شده است و رسمیت دارد و فرمانده سپاه عضو شورای عالی دفاع است، یعنی در بالاترین ارگ‌ها تصمیم‌گیری دفاعی کشور دخالت دارد.

بنا براین، سپاه پاسداران باید تقویت شود و این سپاه رزمی مکتبی، هر نوع مشکلی دارد باید از میان برداشته شود و آمادگی بیشتر یافته و با فنون نظامی هر چه بیشتر آشنا گردد که در گذشته بزرگترین فداکارها را نشان داده و شهید داده‌است تا آنجا که به تدریج ارتش ما هم روحیه تازه پیدا کرد و وارد عمل شد و شهید داد و با دادن شهید جان گرفت و آثار حیاتی در پادگانها به وجود آمد.

- ۱- هنگام طرح این بحث، مجلس شورای اسلامی تشکیل نشده بود و هنوز کشور بوسیله - یک شورای انقلاب اسلامی - زیر نظر امام اداره می‌شد (پاسدار اسلام)
- ۲- و دیدیم که چگونه در جریان جنگ تحمیلی ساخته شد و به سوی مکتبی شدن حرکت کرد و در برتو سلاح ایمان و شهادت طلسمی، قوی گردید. (پاسدار اسلام)
- ۳- امروز بحث در باره ارتش به این صورت مطرح نیست زیرا ارتش در جریان جنگ تحمیلی امتحان خود را به شایستگی داد و عملا یک انقلاب درونی در آن رخ داد که رو به تکامل است، و اگر تکی چندخاست یافت شود، هرگز نمی‌توان عمل آنان را به حساب ارتش گذاشت. (پاسدار اسلام)
- ۴- این بحث از نظر کلی و در سطح حوزه علمیه است و گرنه می‌دانیم که از آغاز جنگ تا کنون عده قابل توجهی از طلاب داوطلبانه آموزش نظامی دیده و در جنبه‌ها شرکت کردند و به شهادت رسیدند و اکنون نیز گروهی در جنبه‌ها حضور دارند.

پایان

باید قاطعیت، مؤمن بودن، تخصصها، تجربه‌ها،

مهارتها و سابقه‌ها در ارتش مورد توجه قرار گیرد.